

جنبه دوم بررسی وضعیت گروه‌های مبارز آن‌جا مثل جمعیت اسلامی و حزب اسلامی بود. در آن‌جا احزاب مختلفی فعالیت داشتند که برخی از آن‌ها به طور یکدست اهل سنت بودند اما در بعضی احزاب، تفکیکی بین شیعه و سنی وجود نداشت و با همدیگر فعالیت می‌کردند

کشور ثروتی است که افغانستان را می‌تواند با استحصال منابع به یکی از مهم‌ترین قطب‌های اقتصادی و در تعامل با کشورهای منطقه ارتقا دهد. دسترسی نداشتن به دریا می‌تواند با پیمان‌های منطقه‌ای برای این کشور قابل دسترس شود. شوروی سابق نتوانست با کودتا این کشور را تیول خود کند. توسعه نایافتگی زیرساخت‌ها و شکل نیافتن رابطه دولت و ملت، انسجام ملی این کشور را دچار مشکل کرده و طمع قدرت‌ها را برای چنگ زدن به ثروت آن‌ها بالا برده بود. ضمن اینکه دولت مرکزی نتوانسته بود برایشان امنیت و آبادانی پایدار ایجاد کند و کلونی‌های پراکنده جزیره‌ای مردم را مستقل از دولت به دفاع از منافع و امنیت‌شان به صحنه آورده بود. مردم در چنین وضعیتی امکان صادرات محصولات خود و واردات سایر محصولات را نداشتند حتی صادرات مواد مخدر در آن زمان خیلی محدود و کم بود چون جاده و امکان ترابری مناسب فراهم نبود اما بعدها در حمایت مافیای جهانی مواد مخدر، صادرات آن به چهل و حتی دویست برابر رسید و از این نظر این کشور یک قطب فاسد اقتصادی شد. براین اساس شناسایی در صحنه برای ما بسیار مهم بود.

جنبه دوم بررسی وضعیت گروه‌های مبارز آن‌جا مثل جمعیت اسلامی و حزب اسلامی بود. در آن‌جا احزاب مختلفی فعالیت داشتند که برخی از آن‌ها به طور یکدست اهل سنت بودند اما در بعضی احزاب، تفکیکی بین شیعه و سنی وجود نداشت و با همدیگر فعالیت می‌کردند. برخی از نیروهای اهل مبارزه عضو چندین گروه بودند و کمک‌هزینه‌شان را از همه گروه‌ها دریافت می‌کردند با این اوصاف، گردآوری اطلاعات و درجه اهمیت احزاب در آنجا و قدرت دولت مرکزی برای مقابله با مبارزین برای ما با توجه به کودتای صورت گرفته که رژیم ظاهر شاه آخرین پادشاه افغانستان، رفته و بیرک کارمل آمده بود اهمیت داشت.

جنبه سوم، برآورد نیازهای آموزشی گروه‌های مبارز افغانستانی بود چون تصور ما از مبارزه در شهر و روستا و با ضد انقلاب محدود به داده‌های اطلاعاتی ناقص داخل کشور خودمان بود به خصوص با قضیه جنگ‌های کردستان و وضعیت کومله و دموکرات، اما واقعیت‌های متفاوتی در افغانستان وجود داشتند که باید به آن‌ها آگاهی پیدا می‌کردیم.

جنبه چهارم تحلیل اوضاع سیاسی افغانستان به لحاظ وضعیت موجود و آینده مطلوب بود تا بر اساس آن، سپاه تصمیم بگیرد چگونه به اوضاع آن‌جا ورود پیدا کند که برآیند آن، قدرت گرفتن نیروهای مذهبی باشد چون وجود گرایش‌هایی به مارکسیسم در آن‌جا سبب شده بود شوروی سابق به حضور در آن‌جا طمع پیدا کند. لذا باید برای فراهم شدن زمینه ایجاد هسته‌های مقاومت در آنجا، استعداد‌های محلی موجود را شناسایی می‌کردیم تا در قالب تشکیلی خوداتکا بتوانند به صورت مستقل خود را اداره کنند و دستشان از مسائل خالی نباشد.

با این جمع بندی نیاز به تشکیل گروهی از افراد که هم در کارهای عملیاتی و هم در مباحث ایدئولوژیکی و هم در کارهای تدارکاتی بتوانند میداندار باشند، ضروری بود.

شمارش معکوس

من تقآلی به قرآن زدم و پاسخ قرآن عزمم را برای رفتن صد چندان کرد. مدت مأموریت ما بیشتر از یک تا چند ماه پیش بینی نشده بود. آقا حمید از من خواست کسی را به او معرفی کنم که بتواند به خصوص در کارهای عملیاتی عهده‌دار مسئولیت شود. من آقای تقی ورکش را با نام مستعار عین الله قاسمی که این نام از زمان مبارزات قبل از انقلاب روی او مانده بود، معرفی کردم. بچه‌های گروه او را آقا عین الله صدا می‌زدند. او یکی از دوستان ما